

تحلیل تاثیر نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای بر توسعه نیافتگی روستایی (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد - دهستان بهمئی سرحدی شرقی)

حمدالله سجاسی قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

ssojasi@um.ac.ir

یعقوب اسفرم (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

yaghob.esfaram@gmail.com

چکیده

ناهمگنی در طوایف همواره از انسجام جامعه در سطوح مختلف می‌کاهد و موجب بروز نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای می‌شود و در پی آن مشارکت و انسجام اجتماعی به حداقل خود می‌رسد که نمود آن در سطح محلی بسیار بالا می‌باشد. به‌ویژه ضعف در انسجام و مشارکت مردمی در جامعه روستایی از پویایی روستاها می‌کاهد و رشد و توسعه روستایی را با دشواری مواجه می‌سازد. براین اساس هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه نیافتگی روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. به همین منظور با روش‌شناسی کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی تعداد ۳۰۰ نفر سرپرست خانوار از طریق نمونه‌گیری در ۹ نقطه روستایی که بیشترین تعداد نزاع به‌عنوان جامعه آماری انتخاب گردید و پرسشنامه‌های تدوین شده از طریق شاخص‌های تحقیق تکمیل گردید. برای دستیابی به اهداف پژوهش، از روش‌های آماری استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان داد که نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای در محدوده مورد مطالعه همچنان یک چالش اساسی در فرایند توسعه نیافتگی بشمار می‌رود. همچنین میان نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه نیافتگی روستایی ارتباط عمیقی وجود دارد. علاوه بر این در بین طوایف و روستاهای مختلف تفاوت معناداری به لحاظ سطح نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه نیافتگی روستایی مشاهده شده است.

واژه‌های کلیدی: نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای، سرمایه اجتماعی، مشارکت، توسعه نیافتگی روستایی، بهمئی سرحدی شرقی.

۱- مقدمه/ طرح مساله

انسانها در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش، براساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و همچنین ارزش‌های حاکم بر اندیشه و تفکر افراد با انواع گوناگونی از رویارویی‌ها و تقابلات مثبت و منفی فردی، گروهی و بین گروهی مواجه بوده‌اند. گاه در تضاد، ستیزه و نزاع با یکدیگر به سربرده و گاه در صلح، آرامش و نوع دوستی بوده‌اند. آنچه که مسئله آفرین است وجود تضادها و رویارویی‌های خشونت‌آمیز در بین افراد و گروه‌ها است (Mirfardi & Sadeghnia, 2012: 42; Mirfardi et al, 2011: 148). هنوز در گوشه و کنار کشورمان بعد از گذشت درگونی‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی بسیار، آثار ناگوار پدیده‌ای به نام نزاع‌های جمعی و درگیری‌های طایفه‌ای-قبیله‌ای مشاهده می‌شود (Nikdel & Pirastemotlagh, 2015: 118) که از جمله آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود (Shariati et al, 2013: 96). زیرا احساس تعلق به طایفه و قبیله باعث می‌شود تا در بعضی مواقع بین اقوام مختلف و طایفه‌های مختلف درگیری و اختلافات پیش بیاید (Sajadian et al, 2015: 60). نظریه‌پردازان سستی معتقدند در بُعد اجتماعی و فرهنگی، ضعیف‌بودن امکانات ارتباطی و تکنولوژیک، حیات خرده فرهنگ‌های طایفه‌ای را در کنار فرهنگ و ارزش‌های حاکم استمرار بخشیده است، به‌علاوه در بُعد اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی در نظام سستی و تبعیت رده‌های مختلف طایفه‌ای از این سلسله مراتب، این امکان را برای رهبران گروه‌های طایفه‌ای پدید آورده است که در شرایط ضروری از این توانایی بهره‌جویند و کشمکش‌ها را بیش از پیش دامن‌زنند. اما در مقابل نظریه‌پردازان جدید معتقدند که نوگرایی موجب آگاهی‌های طایفه‌ای شده و بر تنش‌ها دامن می‌زند. شاید ضعف کنترل‌های خانوادگی و اجتماعی یا نبود قوانین جزایی متقن و یا عدم اجرای درست آن از سوی متولیان امر و ... خود علتی است که افراد هر جامعه‌ای برای رسیدن به خواسته قانونی و غیرقانونی خود، طایفه خود را برای نزاع جمعی گسیل سازند. این مسأله در گذشته و امروز، منشأ خسارات جانی و مالی فراوان شده و مانع توسعه اجتماعی بوده است (Rabani et al, 2004: 104). به همین جهت تا کنون مطالعات متعددی در این ارتباط انجام گرفته است (جدول ۱).

جدول ۱- پیشینه تحقیقات مرتبط با طایفه‌گرایی و نزاع قبیله‌ای

مؤلف و سال	عنوان	نتایج
پورافکاری (۱۳۷۸)	تحلیلی بر تنش‌های قومی در ایران	میزان تنش‌ها سالانه بالا می‌رود و بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود و آثار نامطلوبی برجای می‌گذارد.

ادامه جدول ۱

مؤلف و سال	عنوان	نتایج
میرفردی و همکاران (۱۳۸۹)	میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن	متغیر اعتماد اجتماعی تأثیری بر گرایش به نزاع جمعی نداشته است، اما خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سن تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی داشته اند.
میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱)	گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد	جوانان، مردان، مجردها، روستائیان و افراد دارای پایگاه اقتصادی پایین، به میزان بسیار بالایی در نزاع‌های دسته جمعی شرکت داشته‌اند؛ افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم و بی سواد ۶۴٪ نزاع‌های جمعی را به خود اختصاص داده‌اند. بیشتر نزاع‌ها در روستاها رخ داده و در شهرها نیز اکثر نزاع‌ها در معابر عمومی شهر رخ داده‌اند.
شریعی و همکاران (۱۳۹۱)	بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان خدابنده	بین متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی - تاریخی و گرایش به نزاع دسته جمعی در شهرستان خدابنده رابطه معناداری وجود دارد که بر مبنای تبیین صورت گرفته از طریق رگرسیون و همچنین تحلیل مسیر، بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای اختلاف ملکی و خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر تمایل بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی داشته است.
میر لطفی و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تاکید بر تنوع قومی - مذهبی مطالعه موردی: شهرستان زابل	بین شاخص‌های بعد انسجام مؤثر بر امنیت مرزها، شاخص‌های احترام به والدین و بزرگان، همدردی در زمان وقوع حادثه ناخوشایند با خانواده عزادار، همیاری در فصل کار، با سطح معناداری صفر درصد، بالاترین رتبه را کسب کرده‌اند. اما در بین شاخص‌های امنیت اجتماعی مؤثر بر مرزها، شاخص‌های میزان رضایت از مسئولان امنیتی ۶۶۹ و اعتماد به مرزنشینان ۵/۱۰۴ در بالاترین رتبه قرار گرفته که از تلاش مسئولان دولتی جهت برقراری امنیت در این منطقه نشأت می‌گیرد.
سجادیان و همکاران (۱۳۹۴)	ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی مطالعه موردی: شهر ایذه	۲۱/۵ درصد به دلیل درگیری‌های طایفه‌ای محل سکونت خود را ترک کرده‌اند. ۱۹/۰ درصد در زمان درگیری بین طایفه‌ها در فضای شهر اصلاً رفت‌وآمد نمی‌کنند. از دیگر نتایج پژوهش حاضر این است که بین تحصیلات، محیط طایفه‌گرایی شهر با احساس ناامنی شهروندان رابطه مستقیم و معنادار اما بین تعصب نسبت به طایفه خود با حس ناامنی اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
لی فرانس و همکاران (۲۰۰۸)	خشونت‌های بین فردی در سه کشور کارائیب: باربادوس، جامائیکا و ترینیداد و توباگو	قربانیان خشونت جنسی بیشتر از جنس مؤنث بوده و بیشتر قربانیان در جامائیکا بوده‌اند.
راوی کانبور و همکاران (۲۰۰۱)	تنوع قومی و درگیری‌های قومی از منظر میان رشته‌ای	درگیری‌های قومی به دلیل بروز عوامل مختلف از منظر جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و انسان‌شناسی و در ارتباط با هم قابل بررسی است.

1. Lee Frances et al
2. Ravi Kanbur et al

همانطور که مشاهده می‌شود، در مطالعات قبلی بیشتر تفاوت‌های طایفه‌ای یا شناسایی عوامل اثرگذار بر بروز نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای مورد توجه بوده است و کمتر به تاثیر نزاع‌های طایفه‌ای و قومی بر توسعه نیافتگی جوامعی مانند روستایی پرداخته شده است. از آنجا که نزاع‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای منجر به ایجاد آسیب و نابهنجاری در اجتماع شده و روابط حاکم بر اجتماع‌ها را دچار تزلزل می‌کند؛ لذا در پی این تزلزل، تخریب‌های غیرقابل جبران جسمی، روحی، اقتصادی و اجتماعی پدید می‌آید. این موضوع در محیط‌های روستایی به دلیل کوچک بودن، تراکم پایین جمعیت، وجود و حفظ ساختارهای سنتی و ایلی و دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌هایی که در طول تاریخ پدید آمده، بسیار مشهود است. این مساله تاثیری منفی بر امنیت اجتماعی دارد و موجبات عدم همبستگی و مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی را پدید می‌آورد. بدلیل عدم اعتماد اجتماعی، عدم شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی، عدم همبستگی اجتماعی و نرسیدن به یک اجماع محوری از سوی افراد جامعه روستایی، اکثر برنامه‌های توسعه در مناطق روستایی را که با حضور حداکثری مردم قابل اجرا است در عمل بر زمین مانده و عدم مشارکت و توسعه‌نیافتگی روستایی را تشدید بخشیده است. لذا درگیری‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای به دلیل ناامنی و ایجاد دشمنی و فضای بسته، ظرفیت‌های سکونتگاه‌های روستایی برای توسعه را از بین می‌برد و جامعه روستایی توان درک گزینه‌های مناسب برای عمل پیدا نمی‌کنند و اعتماد از بین می‌رود. مجموع این عوامل انجام فعالیت‌های مستمر در محیط روستا و در کنار هم، ایجاد اهداف مشترک و رسیدن دسته جمعی به این اهداف، ایجاد حس تعلق مکان و در نهایت شکل‌گیری اجتماع محلی - مکانی را غیرممکن می‌سازد. براین اساس تردیدی نیست که خواستگاه علل بسیاری از وقایع و رخداد‌های استان کهگیلویه و بویراحمد ناشی از تعصب در خرده فرهنگ‌ها است که کمتر زمینه توسعه همه جانبه به ویژه جامعه روستایی را فراهم ساخته است. می‌توان گفت نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای در استان کهگیلویه و بویراحمد به ساختارهای سنتی آن بازمی‌گردد. این استان در مسیر توسعه در سال‌های اخیر با تغییرات و تحولات جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه بوده و هم‌اینک نیز شاهد تحولات گوناگون اجتماعی به ویژه در نقاط روستایی است. از این رو، شیوع نزاع، بخصوص نزاع‌های گروهی و دسته جمعی که تحت تأثیر ویژگی‌هایی چون تنوع طایفه‌ای ساکنان این مناطق و حفظ ساختار ایلی و قبیله‌ای، برخورداری از اجتماعات سنتی و اجتماعات در حال گذار، ظهور ویژگی‌های فرهنگی جدید و خرده‌فرهنگ‌ها و تقابل آنها با فرهنگ‌های سنتی، تعصبات سنتی، قانون‌گریزی، محرومیت و حتی شرایط طبیعی و عوامل تاریخی و ... قرار گرفته است. پیامدهای نزاع‌های

طایفه‌ای - قبیله‌ای در استان کهگیلویه و بویراحمد در ابعاد گوناگون قابل تأمل است. وقوع چنین نزاع‌هایی منجر به کشته شدن افراد، ناامنی، ناراحتی‌های روانی و تخریب مزارع و منازل می‌شود و در نهایت مهاجرت و ناپایداری و عدم توسعه‌یافتگی روستایی در سطح استان را به دنبال دارد. بر این اساس، هدف اصلی از این پژوهش تحلیل نقش نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای و کشمکش‌های آنان بر عدم توسعه‌نیافتگی روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. از اهداف فرعی این پژوهش نیز می‌توان به تحلیل نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای، چندپارگی جامعه روستایی، سنجش میزان اثرگذاری نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای بر توسعه‌نیافتگی روستایی اشاره داشت. در نهایت این مطالعه به دنبال پاسخگویی به این سوال است که نزاع‌های قبیله‌ای چه نقشی در توسعه‌نیافتگی روستایی دارد و این نقشه به چه صورت و به چه میزان است؟

۲- چارچوب نظری

در حال حاضر مناطق روستایی در حال تجربه فرآیند جهانی شدن هستند و در حال انتقال از یک اقتصاد مبتنی بر امرار معاش سنتی بوسیله تولیدات کشاورزی به سمت یک اقتصاد جدید مبتنی بر تجاری‌سازی فضای روستایی می‌باشند (Eugenio-Vela & Barniol-Carcasona, 2015:108) (143) : (CHapple & Montero, 2016). این امر نیازمند مدیریت مناسب روستایی و افزایش نقش فعال و مشارکت منسجم و همگانی مردم در امر توسعه و برنامه‌های توسعه روستایی می‌باشد (Erdiaw-kwasie & Alam, 2016). از آنجا که اعتماد و اجماع و تأثیر آن بر فرآیند توسعه، زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع روستایی می‌باشد، اجتماعات روستایی با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی بر مبنای مشارکت، انسجام و اجماع بیشتر مردم جامعه روستایی را به همکاری و اعتمادپذیری در برخورد هایشان تشویق می‌کنند (Talelb et al, 2012:6). توسعه خودجوش و درون‌زا حکم می‌کند که در تمامی مراحل توسعه و در شرایط مختلف، مبنای کار بر جلب مشارکت، افزایش انسجام اجتماعی، افزایش اعتماد متقابل مردم محلی و ایجاد و ترسیم منافع و اهداف مشترک برای همه گروه‌های روستایی باشد. در جامعه روستایی کنش‌گران متعدد و گروه‌ها با منافع مختلف وجود دارند که میانجیگری بین دیدگاه‌ها و منافع مختلف موجود در سطح جامعه امری الزامی محسوب می‌شود. این کار مستلزم وجود ارتباط میان بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد، تحقق چنین امری فقط در سایه نزدیک شدن دیدگاه‌ها و منافع مختلف در جامعه روستایی است (Esfaram, 2014:102). از این رو، همه

افراد نسبت به برنامه‌ها و عناصر توسعه احساس بیگانگی ندارند و طرح و برنامه را از آن خود می‌دانند و برای اجرا و نگهداری آن تلاش می‌کنند. در واقع طایفه‌های گوناگون بر سر منافع خود به توافق می‌رسند و در راستای توسعه و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بایکدیگر همکاری دارند. با توجه به آنچه که گفته شد می‌توان گفت که در اجتماع همگرایی روستایی دو عنصر مهم انسجام اجتماعی و مشارکت مورد تأکید است. منظور از جهت‌گیری توافقی یا همان اجماع‌گرایی، تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است. اما در برخی از مواقع به دلیل رقابت‌های درون‌گروهی و بین‌گروهی در جوامع روستایی، از هم‌افزایی نیروها در جوامع روستایی در جهت توسعه کاسته می‌شود. در اغلب مواقع دلیل چنین اختلاف‌ها و نزاع‌هایی ناشی از ماهیت قدرت‌طلبی و برتری‌جویی در انسان می‌باشد که انسان روستایی نیز مستثنی از آن نمی‌باشد.

قدرت و توسعه در روستاها

از میان تمایلات بی پایان انسان، تمایل به قدرت و شکوه از سایر تمایل‌ها نیرومندتر است. در حقیقت قدرت نیروی محرکه و چند بُعدی است و بر مبنای زمینه‌ها، شرایط و منافع متحول می‌گردد. تجلیات و شکل‌های قدرت مواردی همچون سیطره‌جویی و مخالفت آغاز و تا مواردی همچون همکاری و دگرگونی امتداد می‌یابد. قدرت‌طلبی در چندین وجه در همه جوامع به ویژه مناطق روستایی نمود عینی پیدا می‌کند که شامل قدرت بر^۱، قدرت با^۲، قدرت برای^۳ و قدرت در^۴ می‌باشد (Veneklasen & Miller, 2002: 1-2). برخلاف قدرت در وجه قدرت بر، سایر انواع قدرت، در جامعه روستایی می‌تواند منجر به همبستگی، انسجام اجتماعی، مشارکت و تلاش جمعی برای رسیدن به توسعه که هدف نهایی است گردد و زمینه‌های مناسبی برای آن فراهم سازد. از این رو، وجود زمینه‌های مشترک در میان منافع متفاوت، تقسیم قدرت برابر و آگاهی و احترام به یکدیگر می‌تواند زمینه‌های همگرایی در جامعه روستایی را هموار کرده و با ایجاد یک جامعه یکپارچه به سوی توسعه پایدار گام برداشت. لذا توزیع منافع ناشی از

1. Power over
2. Power with
3. Power to
4. Power within

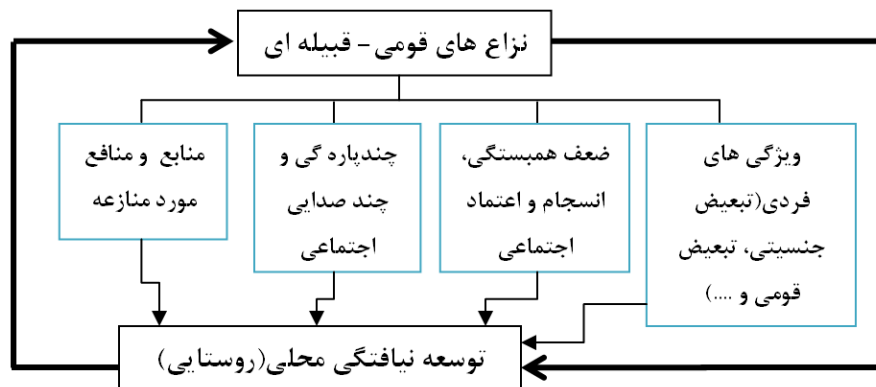
قدرت‌طلبی انسانی می‌تواند در ایجاد تعادل اجتماعی و همگرایی اثرات مثبت فزاینده‌ای داشته باشد که برآیند آن یکپارچگی اجتماعی در مسیر توسعه خواهد بود.

تعصب‌گرایی، عاملی در چندپاره‌گی روستایی و توسعه‌نیافتگی

امروزه تقریباً هیچ جامعه نوینی را نمی‌توان یافت که برای گردش امور خود بی‌نیاز از سازمان باشد (Firoozabadi & imani jajarmi, 2012:62). توسعه روستایی نیز از دو عامل سازمان‌های دولتی و سازمان‌های مردمی تاثیر می‌پذیرد (Khoshbakht et al, 2015: 94). سازمان‌های مردمی که مبتنی بر مشارکت مردم به‌عنوان عنصر مهمی در توسعه روستایی است، می‌تواند نقش مهمی داشته باشد و از استراتژی‌های مهم در توسعه روستایی به حساب می‌آید و در اکثر کشورها مورد توجه واقع شده است و توانسته نقش مهم و موثری در توسعه روستاها به دنبال داشته باشد. بنابراین شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای بخصوص جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهمتر، اعتماد متقابل است. از این جهت مشارکت و بطورعام، سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به تشکیل اجتماع مکانی - محلی شود و در همین راستا منجر به گسترش توسعه پایدار روستایی گردد (Shirvanian & Najafi, 2011:25). اما در واقعیت، روستاها با دارا بودن مسائل و مشکلات فراوانی مثل فقر، بیکاری، مهاجرت، ضعف آموزش و نبود زیرساخت‌های فناوری، کمبود اعتبارات و پایین بودن نرخ بهره‌وری در بخش تولیدات روستایی و از طرف دیگر وجود ضعف‌های اجتماعی از جمله (مشارکت مدنی، شبکه‌های همکاری، انسجام، اعتماد و غیره)، توسعه روستایی و ایجاد مشارکت پایدار در آنها را تا حدودی ضعیف کرده است (Byrd et al, 2009: 699). در حال حاضر در بسیاری از روستاهای کشورمان، علی‌رغم وجود قابلیت‌های زیاد در زمینه توسعه، فضاهای موجود نشانگر توسعه‌نیافتگی و محرومیت است، این وضعیت ایجاب می‌کند که در برنامه‌ریزی توسعه روستایی، به‌کارگیری الگوی مدیریت محلی به روش مشارکتی در قالب محور مطالعات برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرد (Estelaji, 2012:240). اما بروز درگیری‌هایی ما بین اقوام و طوایف متعددی که در نزدیکی هم زندگی می‌کنند، که اکثر ریشه این اختلافات از تعصبات بی‌دلیلی پدید می‌آید و در بطن فرهنگ اقوام و طوایف نهفته و اکثراً به آنها پایبند هستند (Pourafkari, 2011:66)، منجر به عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و مشارکت می‌شود. زیرا رابطه میان اعضای اجتماع روستایی نزدیک و چهره به چهره است و عامل وحدت‌بخشی مانند نژاد یا طایفه آنها را به هم پیوند می‌دهد. از این رو طایفه‌گرایی و تعصب نسبت به طایفه و نژاد در روستاها و جامعه

روستایی عامل افتخار و مایه مباهات می‌باشد. جامعه روستایی به اقوام مختلف و چندگانه‌ای تقسیم شده که هر یک خود را برتر (پیگیر منافع طایفه خود) از دیگران می‌داند. در چنین جامعه‌ای که هر فرد بر اساس تعلق خود به یک طایفه در تقابل با دیگران قرار می‌گیرد و خویشتن را شایسته تر می‌داند برای خود و طایفه‌اش مطالبات و خواسته‌های بسیاری متصور است. از این رو، سهم‌خواهی بیشتری از منافع توسعه دارند که منجر به شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی به صورت نزاع‌های دسته جمعی، فاصله طبقاتی، نابرابری افراد و زیاده‌خواهی می‌شود.

در مجموع می‌توان ارتباط مستقیمی بین چند پارگی و توسعه‌نیافتگی روستایی متصور شد. به نحوی که چندپارگی روستایی مانع از شکل‌گیری مشارکت همه افراد در فرآیند توسعه پایدار می‌شود. چند پارگی روستایی، جامعه‌ای را شامل می‌شود که از یک طرف اختلافات گروهی و تضاد منافع در سطح بالا و از طرف دیگر مشارکت، اجماع‌محوری و سرمایه اجتماعی در سطح پایینی قراردادند و ظرفیت‌های توسعه روستایی به دلیل وجود اختلافات در حالت بالقوه خود مانده است. در تاریخ ایران همانند بسیاری از جوامع دیگر تنوع معیشتی، فرهنگی، شدت ارتباطات درون گروهی، قلت ارتباطات برون گروهی، محرومیت‌ها، نابرابری‌ها، تعصبات طایفه‌ای و قبیله‌ای و غیره زمینه‌ساز بروز نزاع‌های جمعی و درگیری‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای بوده‌اند، بنابراین نزاع جمعی در هر جامعه همیشه بعنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است که واگرایی اقوام و قومیت‌ها و طوایف را تشدید می‌بخشد (Rezaiekalvari & Bahrini, 2010:138). طایفه‌گرایی چیزی فراتر از به اشتراک گذاشتن تبار است، بلکه زمینه‌های فرهنگی مخصوصاً در جوامع سنتی تر به صورت مستقیم و آگاهانه در روابط اجتماعی و ترتیبات کلی معیشت زندگی نفوذ کرده، بر این اساس قومیت تمایل به نابرابری و جدایی‌گزینی است (Schlesinger et al, 2015: 138). فرناندو توسعه‌نیافتگی را اساساً نه تنها از وجه اقتصادی بلکه با مراجعه به وجوه اجتماعی و سیاسی در کشورهای توسعه‌نیافته تحلیل می‌کند. کاردوزو علاوه بر تحلیل اقتصادی، نحوه ترکیب نیروهای اجتماعی و تعارض میان آنان و بالاخره اعمال هژمونی از جانب یک طبقه یا گروه اجتماعی که باعث تکوین نوعی از الگوی توسعه می‌شود را با تاکید بر وجوه اجتماعی - سیاسی، در تبیین توسعه‌نیافتگی حیاتی می‌داند (Mahdavi et al, 2010:160) (شکل ۱).



شکل ۱- مدل مفهومی چرخه و دورباطل توسعه نیافتگی محلی بر اساس نزاع‌های محلی

۳- روش‌شناسی و منطقه مورد مطالعه

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات نزاع‌های قبیله‌ای در توسعه نیافتگی مناطق روستایی در سال ۱۳۹۵ انجام شده و از نوع کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی است. از جنبه هدف، کاربردی است زیرا در پی شناخت اثرات نزاع‌های طایفه‌ای بر توسعه نیافتگی روستایی می‌باشد. از جنبه جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی جنبه‌های اثرگذار نزاع‌های طایفه‌ای بر توسعه نیافتگی روستایی از نوع اکتشافی است. به لحاظ توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه از نوع توصیفی است و از نظر برقراری ارتباط بین نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه نیافتگی روستایی از نوع تحلیلی است. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی مشاهده و تکمیل پرسش‌نامه براساس شاخص‌های استخراج شده از پیشینه تحقیق و چارچوب نظری استفاده شده است (جدول ۲). در این تحقیق دو شاخص گرایش به نزاع و طایفه‌گرایی و چهار بعد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، نهادی سیاسی و کالبدی - زیست محیطی به عنوان شاخص‌های توسعه روستایی انتخاب شده‌اند. لذا متغیر مستقل تحقیق، نزاع‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای و متغیر وابسته توسعه نیافتگی روستایی است.

جدول ۲- شاخص‌های سنجش متغیرهای تحقیق

متغیر	شاخص	گویه
نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای	گرایش به نزاع	گرایش به نزاع در صورت اختلاف مالی، ملکی و زراعی، گرایش به نزاع در صورت توهین به خانواده خود، گرایش به نزاع در صورت تضییع حق طایفه و بستگان در انتخابات مجلس و شورای اسلامی روستا، گرایش به نزاع در صورت وجود مسائل ناموسی، گرایش به نزاع در صورت مقصر نبودن اقوام و نزدیکان و کمک به آن‌ها، گرایش به نزاع در صورت توهین به

ادامه جدول ۲

متغیر	شاخص	گویه	
نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای	گرایش به نزاع	نزدیکان و خویشاوندان، گرایش به نزاع در صورت برهم‌زدن قرار ازدواج از سوی طایفه‌های دیگر، گرایش به نزاع برای حفظ آبروی فامیل، گرایش به نزاع در صورت زورگویی طوایف دیگر، گرایش به نزاع در صورت طعنه‌زدن و کنایه‌های طوایف دیگر، گرایش به نزاع دسته جمعی در صورت صلاح‌دید ریش‌سفیدان، گرایش به نزاع دست جمعی جهت حفظ آبرو و وجود خلأ قانونی در این زمینه.	
	قبیله و طایفه گرایی	احترام‌جویی براساس طایفه‌گرایی، کمک‌کردن به دیگران براساس طایفه‌گرایی، حفظ ارتباطات با دیگران براساس طایفه‌گرایی، اتکا به طایفه جهت حل مشکلات، ازدواج و وصلت براساس روابط طایفه‌ای، نفوذ و راهیابی به دستگاه‌های دولتی بر اساس طایفه‌گرایی، احساس افتخار و غرور براساس طایفه‌گرایی	
متغیر	بعد	شاخص	
توسعه روستایی	اقتصادی	انگیزه سرمایه‌گذاری در روستا	از بین رفتن سرمایه‌گذاری ناشی از واکنش‌های تعصبی طوایف مختلف، کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از تخریب سرمایه‌های فیزیکی در سطح روستاها، کاهش و از بین رفتن رغبت و میل سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری جدید، کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از احساس ناامنی اجتماعی
		انگیزه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی	کاهش تمایل به آبادکردن اراضی بایر، کاهش گرایش به تشکیل تعاونی‌های روستایی، کاهش حضور مردم در کلاس‌های آموزشی، از بین رفتن مشارکت جمعی ناشی از درگیری‌های بین قبیله‌ای در فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی
		انگیزه ایجاد اشتغال در روستا	از بین رفتن گرایش به ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی به دلیل محدودیت اراضی، کاهش انگیزه ایجاد اشتغال ناشی از اختلاف مالکیت آب و زمین، محدودیت دسترسی به نیروی کار و مواد اولیه، کاهش انگیزه ایجاد اشتغال و کارآفرینی ناشی از بهره‌وری پایین
	شغلی	وجود فرصت‌های متناسب درآمدزایی	از بین رفتن فرصت‌های مناسب درآمدزایی ناشی وجود طرز تفکری ایستا و سستی، از بین رفتن منابع (مالی، طبیعی و انسانی) در دسترس، کاهش تولید و پایین آمدن بهره‌وری، کاهش کیفیت مهارت‌ها و کارآفرینی روستایی
		وجود فرصت‌های شغلی	از بین رفتن بازارهای محلی، کاهش علاقه به خوداشتغالی و فعالیت، کاهش انگیزه و تلاش برای یافتن منابع و فرصت‌های جدید، کاهش فرصت‌های شغلی ایجاد شده در سطح منطقه

ادامه جدول ۲

متغیر	بعد	شاخص	گونه
توسعه روستایی	اقتصادی	ریسک اقتصادی داشتن	کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از عدم سودآوری فعالیت در سطح روستاها، از بین رفتن حاکمیت نظم و قانون، کاهش اطمینان سرمایه‌گذار به ثبات شرایط اجتماعی روستاها، کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از بین رفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود
		انگیزه توسعه کسب‌وکار	کاهش انگیزه و روحیه کارآفرینی روستاییان، کاهش نقش کارآفرینان در توسعه و بازاریابی، کاهش مهارت‌های فردی و انگیزه‌های کارآفرینان و مدیران محلی، از بین رفتن اعتبار و قدرت در جامعه روستایی
		همیاری‌های اقتصادی بین روستاییان	کاهش شکل‌گیری تشکل‌های اجتماعی و اقتصادی مردم نهاد، کاهش دریافت وام و قرض از یکدیگر، کاهش مشارکت در فعالیت‌های بدون دستمزد مربوط به روستا (مشارکت فکری و یدی و ...)، کاهش تشکیل و جمع‌آوری سرمایه‌های خرد روستایی
اجتماعی - فرهنگی	اجتماعی - فرهنگی	اعتماد اجتماعی	اعتماد کردن به دیگران بسیار سخت می‌باشد، عموماً نمی‌توان به غریبه‌ها اعتماد کرد، اکثر مردم روستا در معامله با دیگران صداقت ندارند، اتفاقات نزدیکترین دوستان برای اکثر مردم مهم است، خیلی از افراد با هدف سوءاستفاده یا موقعیت شما با شما دوست می‌شوند، معمولاً به ماموران انتظامی نمی‌توان اعتماد کرد، معمولاً می‌توان به قضات اعتماد کرد، معمولاً نمی‌توان به کارمندان ادارات اعتماد کرد، معمولاً به وکلای دادگستری نمی‌توان اعتماد کرد.
		همبستگی اجتماعی	وجود زمینه‌های دائمی بروز دعوا و درگیری، حضور اندکی مردم در جلسات عمومی، اختلاف نظر با افراد غریبه و ساکن در روستا، کاهش روحیه کارگروهی و جمعی، انحصاری بودن روابط اجتماعی (دیدوبازدید، ازدواج) براساس طایفه‌گرایی، کاهش همبستگی اجتماعی در روستا
		مشارکت	دخالت در امور مربوط به روستا، کاهش انگیزه مشارکت در اداره امور روستا، از بین رفتن اثرگذاری مثبت در اداره روستا، از بین رفتن زمینه اظهارات سازنده برای اداره بهتر روستا
		امنیت اجتماعی	افزایش ترس از شیوع مفاسد اخلاقی و منکرات، افزایش ترس از شیوع درگیری و تلفات مالی و جانی، افزایش ترس از شیوع سرقت در روستا، افزایش ترس از شیوع طلاق در روستا، کاهش احساس امنیت فردی و اجتماعی روستاییان

ادامه جدول ۲

متغیر	بعد	شاخص	گویه
اجتماعی - فرهنگی		اختلاف اجتماعی	از بین رفتن پایداری به حقوق و حریم دیگران، عدم همزیستی مسالمت‌آمیز با طوایف دیگر، وجود زیادخواهی برخی از افراد، از بین رفتن دسترسی برابر به خدمات و فرصت‌ها
		احترام متقابل	از بین رفتن ارزش قائل شدن برای افکار و صحبت‌های دیگران، از بین رفتن احترام به خرده فرهنگ‌های موجود در سطح روستا، عدم توجه و احترام به حقوق فرهنگی و سرمایه‌های افراد
		مسئولیت‌پذیری اجتماعی	کاهش تعاملات و رفت و آمدهای سازنده، از بین رفتن انگیزه‌های کمک کردن و حس مسئولیت‌پذیری، کاهش رفاه اجتماعی ناشی از بروز نزاع، از بین رفتن الزام فرد به هتجارهای اجتماعی، از بین رفتن احساس موثر بودن برای کمک به اداره جامعه
		تشکل اجتماعی	کاهش فعالیت‌های جمعی اجتماعی ناشی از درگیری‌های بین قبیله‌ای، تضعیف تعاملات و مشارکت ساکنین با یکدیگر، کاهش تشکل‌های اجتماعی جامعه محلی ناشی از درگیری‌های بین طایفه
توسعه روستایی		تعلق مکانی	کاهش ماندگاری جمعیت در روستا، از بین رفتن فضای مناسب برای برقراری روابط اجتماعی، کاهش تعهد و مسئولیت فرد نسبت به محیط (کالبدی، طبیعی) و افراد، از بین رفتن رضایت نسبت به امنیت منزلت و جایگاه افراد
		عدالت محوری	وجود تبعیض یا جانبداری به سمت افراد خاص، کاهش پایداری به قوانین و عرف محل، محدودیت برابری فرصت‌ها و بهره‌مندی از خدمات برای همه گروه‌ها
نهادی - سیاسی		توافق جمعی	از بین رفتن نگرش باور به جمع و کار جمعی، عدم دستیابی به توافق در زمینه‌های مختلف بین گروه‌های مختلف موجود در روستا، کاهش رابطه بین گروه‌های مختلف، نهادهای دولتی و غیردولتی در سطح روستا، کاهش توافقات گسترده بین روستایی، نبود شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات
		عضویت در تشکل‌ها	کاهش مشارکت و عضویت در طرح‌های ظرفیت‌سازی، کاهش عضویت در انجمن‌های مدنی و مذهبی روستایی، از بین رفتن مشارکت و همکاری در طرح‌های توسعه روستایی
		شرکت در انتخابات محلی	کاهش قانون‌مندی و احترام به قوانین، کاهش قابلیت مشارکت عمومی، کاهش علاقه به مشارکت در سرنوشت خویش، کاهش مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای روستا

ادامه جدول ۲

متغیر	بعد	شاخص	گویه
	نهادی - سیاسی	همکاری با نهادهای متولی روستایی	کاهش اعتماد و مقبولیت نیروهای انتظامی، از بین رفتن همکاری با مروجان کشاورزی، کاهش همکاری و مشارکت با بنیاد مسکن در جهت توسعه مسکن روستایی و تهیه و اجرای طرح‌های
		همکاری با مسئولان محلی (دهیار و شورا)	کاهش همکاری با شورا و دهیاری، کاهش نفوذ ریش سفیدان و قدرت آنان در جامعه روستایی، تضعیف همکاری و همراهی با شورای حل اختلاف
توسعه روستایی	حفاظت و نگهداری		کاهش مشارکت در سیستم جمع‌آوری و دفع زباله، کاهش مشارکت در بهبود و ارتقاء جذابیت عرصه‌های گیاهی و جنگلی، از بین رفتن مشارکت در بهبود سیستم شبکه فاضلاب روستا، کاهش همفکری و تبادل نظر در جهت حل مسائل کالبدی و زیر ساختی روستا،
		اثر بخشی طرح‌ها	استفاده نامناسب از منابع در دسترس، کاهش اقدامات و فعالیت‌ها در روستا، افزایش مستمر هزینه‌های جاری روستا، افزایش تصمیم‌گیری‌های فردی و گروهی خاص (به جای مشارکت در تصمیم‌گیری)
	زیرساختی کالبدی	مسئولیت‌پذیری	واگذاری امور محلی بر مبنای طایفه‌گرایی (انتخاب فرد با افرادی برای جمع‌آوری زباله)، کاهش رغبت و انگیزه مردم روستا جهت پذیرش مسئولیت در قبال مشکلات روستا، کاهش، مسئولیت‌پذیری مدیران روستایی (شورا و دهیاری)، کاهش نقش نهادهای بومی (ریش سفیدان، تعاونی‌های مردمی) در مسئولیت‌پذیری افراد در امور مختلف (بهداشت محیط، رعایت حریم‌ها)
		برنامه ریزی مناسب	عدم توجه به برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت جهت توسعه روستا، عدم توجه به نیازها و منافع همه گروه‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، عدم توجه به عوامل درونی و بیرونی روستا جهت برنامه‌ریزی، عدم استفاده صحیح از منابع و امکانات روستا (ماشین آلات)
	دسترسی برابر		توزیع ناعادلانه امکانات روستا در بین روستاییان، وجود پارتی‌بازی و حق و ناحق کردن در مدیریت روستا (شورای اسلامی و دهیاری)، عدم وجود فرصت‌های برابر برای همه اهالی روستا، ترجیح منافع شخصی و گروهی به منافع جمعی روستا، عدم رعایت حقوق شهروندی (حقوق همسایگی، حقوق بهداشتی، حق آزادی)

ادامه جدول ۲

متغیر	بعد	شاخص	گویه
توسعه روستایی	زیرساختی کالبدی	مشارکت در امور کالبدی روستا	کاهش مشارکت جمعی در ایجاد زیرساخت‌های کالبدی و بهبود آن، کاهش مشارکت جمعی در فعالیت‌ها و عملکردهای محیطی، کاهش مشارکت در بهبود اراضی تحت پوشش آبیاری نوین در روستا، کاهش مشارکت در کارهای عام المنفعه، تضعیف علاقه به ایجاد ساخت و سازهای جدید

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس مطالعات نظری، ۱۳۹۵

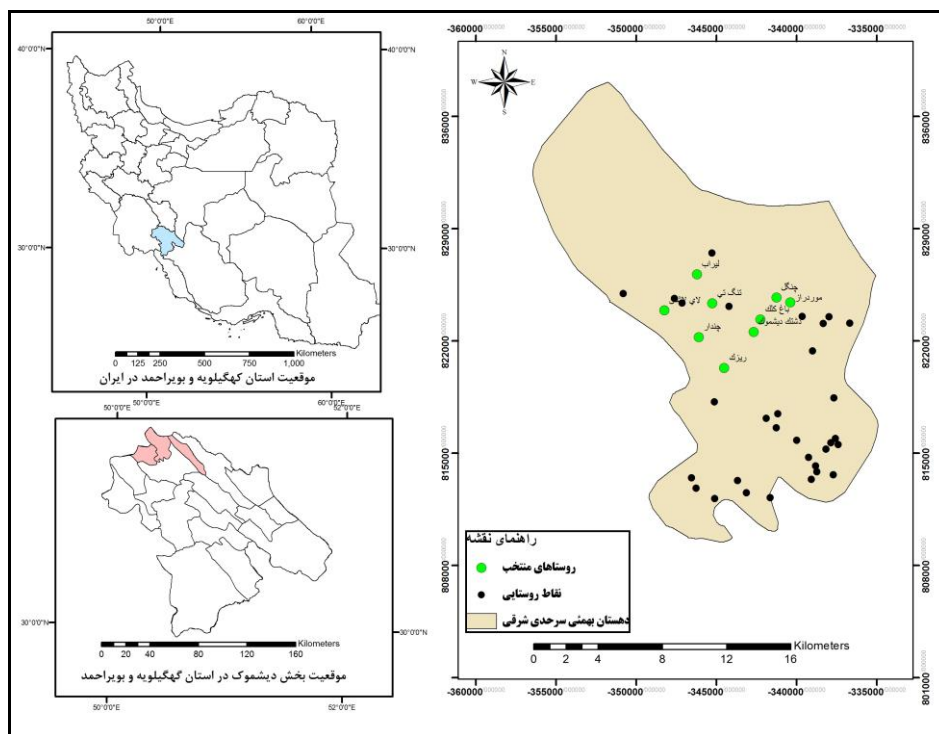
از این رو با توجه به متغیرهای تحقیق و نیز روش‌های تجزیه و تحلیل و هم چنین عدم دسترسی به اطلاعات صحیح و متناسب با تحقیق، پرسشنامه مربوط به صورت پرسش‌های بسته محقق‌ساخته در قالب طیف لیکرت در مقیاس سنجش اسمی و رتبه‌ای تهیه شد و در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق، شامل روستاهایی است که بیشترین درگیری در آنها رخ داده است. از این رو ۹ روستا (جدول ۳) از دهستان بهمئی سرحدی شرقی که در بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه، استان کهگیلویه و بویراحمد واقع گردیده، انتخاب شده‌اند. (شکل ۲).

جدول ۳- روستاهای نمونه

نام روستا	لیراب	لای لاشان	تنگ تی	چندار	باغ کلک	دشتک	چنگل	موردراز	ریزک
جمعیت	۵۳۶	۳۸	۲۰۹	۳۵۱	۲۴۷	۲۵۰	۵۸	۸۱	۹۱

زیرا این محدوده روستایی به لحاظ بافت اجتماعی دارای تیره‌ها و طایفه‌های مختلف است که در چند سال گذشته به دلایل مختلف درگیری‌های و نزاع‌هایی بین آنان پدید آمده است و روستاهای مورد مطالعه با این پدیده همواره رو به رو بوده‌اند. برای نمونه گیری در محدوده مورد مطالعه از فرمول کوکران با احتمال ۹۵ درصد استفاده شده است. که نتیجه آن برابر با ۲۷۵ خانوار نمونه بوده است و برای توزیع تعداد نمونه‌ها بین روستاهای نمونه نیز به صورت برقراری تناسب عمل شده است. روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان دانشگاهی مورد تایید قرار گرفت. پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ که مقدار آن ۰/۷۸۰ و این مقدار برای

نواعهای طایفه‌ای - قبیله‌ای ۰/۸۱۱ و برای توسعه‌نیافتگی روستایی ۰/۷۶۸ می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق روش‌های آماری از جمله آزمون تی تک نمونه‌ای، همبستگی پیرسون، کروسکال والیس، تحلیل واریانس (ANOVA) و توکی انجام گرفته است.



شکل ۲- محدوده منطقه مورد مطالعه

۴- یافته‌های تحقیق

بررسی ویژگی سنی پاسخگویان جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۱۶ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۱۵-۳۰، ۲۴ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۳۱-۴۵، ۳۲ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۴۶-۶۰، ۱۵ درصد از پاسخگویان در گروه سنی بیش از ۶۱-۷۵ قرار گرفتند و در گروه ۷۶ سال به بالا ۱۳ درصد پاسخگویان قرار دارند. همچنین از مجموع ۲۷۵ پاسخ‌دهنده و سرپرست خانوار روستایی مورد مطالعه، ۶۴ درصد مرد و ۳۶ درصد زن بوده‌اند. به لحاظ تحصیلات، ۳۲ درصد از سرپرستان خانوار دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۲۳ درصد راهنمایی، ۱۷ درصد بی‌سواد یا حداقل خواندن و نوشتن، ۱۴ درصد

لیسانس، ۱۳ درصد ابتدایی و ۱ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند. بررسی نمونه‌های تحقیق نشان می‌دهد که از میان ۲۷۵ سرپرست خانوار روستایی مورد پرسش ۷۰/۷ درصد اعلام کردند که بیکارند و شغل ثابتی ندارند، ۱۲ درصد در بخش کشاورزی فعالیت دارند، ۱۰/۳ درصد به دامداری می‌پردازند، ۶۷ درصد در بخش دولتی مشغول به فعالیت و کار هستند و ۰/۳ درصد به سایر مشاغل می‌پردازند. جدول ۳ نشان دهنده وجود تیره‌ها و طایفه‌های موجود در محدوده مورد بررسی می‌باشد. وجود و حفظ ساختارهای سنتی و ساختار ایلی و طایفه‌ای و وجود تیره‌ها و طایفه‌های متعدد در سطح محدوده مورد مطالعه همواره بستری برای بروز اختلافات و بروز نزاع می‌باشد.

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب طایفه

تعداد (نفر)	کمی	صالح	(ملا حاجی) نری موسی	نوروزی	محمد موسی سایه	(شیخ حسن) نوروزی	نوروزی (مرو)	نری موسی	(میرزاخون) نوروزی	جمع
تعداد	۲۲	۲۵	۳۳	۴۳	۳۵	۳۶	۲۸	۳۵	۱۸	۲۷۵
درصد	۸	۹	۱۲	۱۶	۱۳	۱۳	۱۰	۱۳	۶	۱۰۰

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق سالیانه به‌طور میانگین بین ۶ تا ۱۰ پرونده نزاع به دادگاه‌های عمومی و پاسگاه‌های انتظامی ارجاع داده می‌شود. که بیشتر نزاع‌های به صورت خانوادگی، بین تیره‌ها و طایفه‌های مختلف است که علت آن می‌تواند مسأله مالکیت، ارث، حد و حدود اراضی و نهادها و عوامل تولید کشاورزی باشد. در سال‌های گذشته بروز نزاع در سطح منطقه منجر به درگیری‌های شدید بین طایفه‌ها شد که به کشته شدن ۵ نفر، زخمی شدن ۱۲ نفر، تخریب باغ‌ها و مزارع طرفین شده است و برخی موارد نزاع همراه با خشونت و درگیری‌های مسلحانه با سلاح‌های سرد و گرم است (جدول ۴).

جدول ۵- تعداد میانگین نزاع در هر روستا در طول سال

نام روستا	لیزاب	لای لاشان	تنگ تی	چندار	باغ کلک	دشتک	چنگل	موردراز	ریزک	جمع
تعداد نزاع	۷	۱۳	۵	۸	۱۲	۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸۸

یافته‌های استنباطی

در این پژوهش با توجه به هدف و مسأله تحقیق دو شاخص نواع طایفه‌ای توسعه‌نیافتگی روستایی در سطح روستاهای دهستان بهمئی سرحدی شرقی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای مطالعه سطح نواع طایفه‌ای-قبیله‌ای از دو شاخص گرایش به نواع و طایفه‌گرایی استفاده شده است. نتایج حاصله از آزمون t-test در سطح معناداری کمتر از آلفا ۰/۰۵ نشان‌دهنده شدت سطح نواع طایفه‌ای-قبیله‌ای در منطقه مورد مطالعه است (جدول ۵). برطبق نتایج به‌دست‌آمده (سطح معناداری و کران‌های بالا و پایین)، دو شاخص گرایش به نواع و طایفه‌گرایی در روستاهای مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط (۲/۵) می‌باشد. از سوی دیگر سطح معناداری به‌دست‌آمده در آزمون آماری T نشان‌دهنده این نکته است که این دو شاخص معنادار بوده و وضعیت گرایش به نواع و طایفه‌گرایی در محدوده مورد بررسی از سطح بالایی برخوردار است. این امر می‌تواند نشأت گرفته از بافت سستی و روابط طایفه‌ای باشد که همچنان در جامعه روستایی پابرجاست. عدم وجود زمینه‌های مشارکت و تضاد منافع روستاییان نیز مانع از شکل‌گیری اجماع محوری، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی شده است.

جدول ۶- بررسی وضعیت شاخص‌های نواع‌های طایفه‌ای-قبیله‌ای در روستاهای مورد مطالعه با استفاده از

آزمون t تک نمونه‌ای

استاندارد آزمون ۲/۵						شاخص‌ها
اختلاف میانگین‌ها در سطح ۹۵٪		اختلاف از میانگین	میزان معناداری	درجه آزادی	آماره T	
بالا	پایین					
۰/۹۱۶۳	۰/۳۳۴۷	۰/۶۲۰	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۲۰	گرایش به نواع
۱/۰۱۰۱	۰/۳۰۹۱	۰/۶۶۰	۰/۰۰۰	۲۷۴	۳/۷۷۹	طایفه‌گرایی
۱/۰۰۵۴	۰/۷۰۸۹	۰/۳۲۱۴	۰/۰۰۰	۲۷۴	۱۱/۵۸۶	نواع طایفه‌ای-قبیله‌ای

علاوه بر نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای برای بررسی سطح نواع طایفه‌ای-قبیله‌ای در روستاهای مورد مطالعه، از آزمون TUKEY نیز استفاده شده است. این آزمون هر یک از روستاها را به لحاظ شاخص‌های نواع طایفه‌ای-قبیله‌ای با بقیه روستاها مقایسه کرده و تفاوت روستاها را به لحاظ سطح نواع طایفه‌ای-قبیله‌ای مشخص می‌کند. نتایج حاصل از این آزمون درخصوص سطح نواع طایفه‌ای-قبیله‌ای

در ۹ روستای نمونه که از ۲۷۵ خانوار روستایی پرسش گردید به صورت جدول خروجی تحلیل واریانس در قالب جدول ANOVA نشان داده شده است (جدول ۶). همانطور که جدول نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ وضعیت نزاع طایفه‌ای-قبیله‌ای وجود دارد.

جدول ۷- تحلیل واریانس مقایسه میانگین سطح نزاع‌های طایفه‌ای-قبیله‌ای در روستاهای مورد مطالعه (جدول

(ANOVA)

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگی مربعات	آماره F	سطح معناداری
میان گروهی	۵۳۱۱۳	۸	۳۵۴۰/۹۲۰	۳/۱۶۶	۰/۰۰۰
درون گروهی	۳۱۷۶۳۶/۱۴	۲۶۶	۱۱۱۸	-	-
جمع کل	۳۷۰۷۳۹/۹۴	۲۷۴	-	-	-

همچنین مقدار آماره F که برابر است با ۳/۱۶۶ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ بوده (آلفا کوچک‌تر از ۰/۰۵) این مساله را تأیید می‌کند. آزمون TUKEY روستاهای مورد مطالعه را به لحاظ سطح نزاع طایفه‌ای-قبیله‌ای به سه گروه یا طبقه تقسیم کرده است به طوری که روستاهایی که در طبقه اول قرار می‌گیرند دارای پایین‌ترین سطح و روستاهایی که در طبقه سوم قرار گرفتند از وضعیت بالاتری نسبت به طبقه اول و دوم برخوردارند (جدول ۷).

جدول ۸- طبقه‌بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ سطح نزاع طایفه‌ای-قبیله‌ای بر اساس آزمون TUKEY

طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم
باغ کلک	دشتک	لیراب
لای لاشان	موردراز	چندار
ریزک	تنگ تی	
	چنگل	

برای تبیین بهتر و تحلیل صحیح‌تر از وضعیت شاخص‌های توسعه‌نیافتگی در روستاهای مورد مطالعه از آزمون T-TEST استفاده شده است. با استفاده از این آزمون هم معناداری شاخص‌ها و هم تفاوت میانگین‌ها مشخص می‌شود. براساس یافته‌های (جدول ۸)، دو شاخص تعلق مکانی و همکاری با مسئولان

محلی معنادار نبوده و بقیه شاخص‌های توسعه‌یافتگی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، نهادی-سیاسی و زیرساختی کالبدی معنادار بوده و بالاتر از حد استاندارد می‌باشند. این موضوع نشان دهنده سطح پایین توسعه‌یافتگی در روستاهای مورد مطالعه است. وجود امنیت برای هر جامعه به مثابه ادامه حیات جامعه و تامین‌کننده شرایط توسعه و رفاه برای آن می‌باشد. فضاهای روستایی به عنوان بستر و فعالیت روستاییان باید بتواند با توجه به تفاوت‌های میان افراد و گروه‌ها، محیط امن سالم و پایدار را برای همه افراد فراهم کند. بروز نزاع‌های طایفه‌ای-قبیله‌ای در هر محدوده‌ای می‌تواند منجر گسترش حس ناامنی اجتماعی می‌شود. همین امر سبب کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، توسعه کسب و کار، کاهش ریسک‌پذیری و کاهش انگیزه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی شده است. براساس شاخص‌های انگیزه سرمایه‌گذاری، انگیزه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه ایجاد اشتغال در روستا، وجود فرصت‌های متناسب درآمدزایی، وجود فرصت‌های شغلی، ریسک اقتصادی داشتن و انگیزه توسعه کسب و کار، همیاری اقتصادی بین روستاییان معنا دار بوده و بالاتر از حد استاندارد می‌باشد و توسعه یافتگی در بُعد اقتصادی در وضعیت نامناسبی قرار دارد. در سایه مشارکت در محیط‌های روستایی می‌توان مشکلات را مدیریت کرد و راه حل مناسب را برای حل مشکل یا مسأله انتخاب نمود. پایه و اساس توسعه، تأکید بر امر مشارکت و سرمایه اجتماعی می‌باشد. اما آنچه پاسخگویان به آن اذعان داشته‌اند نشان‌دهنده عدم کمک‌گرفتن افراد و گروه‌های روستایی از هم و همچنین نقش پایین و منفعل روستاییان در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های توسعه به صورت همکاری متقابل در روستاها می‌باشد. برای رسیدن به توافق در یک امر لزوماً دنبال این هستیم که اولاً بیشتر به نتیجه دلخواه برسیم، دوماً میزان موفقیت در کارها و امور بیشتر باشد و با همفکری، همسویی و رابطه صمیمانه بین مردم و همچنین تعامل نهادهای اجتماعی موجود در سطح روستا با نهادهای دولتی و خصوصی، حصول توافق و رسیدن به یک نظر مشترک، منجر به توسعه و آبادانی محیط‌های روستایی گردد. اما آنچه پاسخگویان در پاسخ به گویه‌های شاخص‌ها گفتند نشان‌دهنده این موضوع است که توافق جمعی در روستاهای مورد مطالعه پایین است و رابطه صمیمانه، همسویی و همفکری وجود ندارد و لزوماً نقطه نظرهای شخصی بر رسیدن به توافق جمعی و نقطه نظر مشترک در روستاهای مورد مطالعه برتری و رجحان دارد. این امر منجر به خودکامگی و خودرأیی و سست شدن روحیه کار جمعی در بین افراد جامعه می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت با از بین رفتن اعتماد اجتماعی، احترام متقابل، کاهش انسجام و همبستگی اجتماعی، پایین بودن مسئولیت‌پذیری اجتماعی تا حدودی

زیادی سرمایه اجتماعی و مشارکت در سطح محدوده مورد مطالعه شکل نگرفته است و باعث از بین رفتن فرصت‌های توسعه می‌شود. از این رو، در بُعد‌های اجتماعی-فرهنگی و نهادی-سیاسی، شاخص‌های اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت، امنیت اجتماعی، اختلاف اجتماعی، احترام متقابل، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تشکل اجتماعی، عدالت‌محوری، توافق جمعی، عضویت در تشکل‌ها، شرکت در انتخابات محلی و همکاری با نهادهای متولی روستایی معنادار بوده و توسعه‌نیافتگی در ابعاد اجتماعی-فرهنگی و سیاسی-نهادی در سطح بالایی قرار دارد. در بُعد کالبدی محیطی نیز وجود اختلافات میان گروه‌های حاضر در روستاها منجر به بی‌توجهی به حفاظت از منابع طبیعی و محیطی شده است و به دنبال آن منجر به ناپایداری محیط کالبدی و طبیعی در محدوده مورد مطالعه شده است. وجود همین اختلافات منجر به حاشیه‌رفتن و محرومیت گروهی از جامعه روستایی از خدمات و امکانات موجود در روستاها به شیوه‌های قهرآمیز می‌شود که خود منجر به ابرماندن برنامه‌های توسعه می‌شود. در بُعد کالبدی-محیطی نیز همه شاخص‌ها معنادار بوده و توسعه‌نیافتگی در این بُعد نیز در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. تنها دو شاخص تعلق مکانی و همکاری با مسئولان محلی از دیدگاه پاسخگویان معنادار نبوده است. وجود خاطرات خوب و گذران دوران زندگی و وابستگی به مکان و طایفه باعث شده است تا تعلق مکانی افراد به روستاها بعد از بروز نزاع از بین نرود و در سطح بالایی باشد. همکاری با مسئولان محلی بعد از بروز نزاع معمولاً برای حل مناقشه و تعیین ضرر و زیان پرداخت دیه و سایر موارد می‌باشد.

جدول ۹- بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه‌نیافتگی در روستاهای مورد مطالعه با استفاده از آزمون t تک

نمونه‌ای

استاندارد آزمون ۲/۵						شاخص‌ها
اختلاف میانگین‌ها در سطح ۹۵٪		اختلاف از میانگین	میزان معناداری	درجه آزادی	آماره T	
بالا	پایین					
۰/۸۴۱۲	۰/۱۲۸۰	۰/۵۱	۰/۰۳۰	۲۷۴	۲/۷۴	انگیزه سرمایه‌گذاری
۱/۵۲۳۴	۰/۷۲۹۲	۱/۸۰	۰/۰۰۰	۲۴۷	۵/۱۴	انگیزه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی
۰/۹۲۵۲	۰/۳۳۲۵	۰/۶۲	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۴۰	انگیزه ایجاد اشتغال در روستا
۰/۷۲۸۶	۰/۰۸۵۸	۰/۴۲	۰/۰۱۰	۲۷۴	۲/۵۶	وجود فرصت‌های متناسب درآمذزایی
۰/۷۲۸۱	۰/۰۱۰۰	۰/۴۰	۰/۰۴۰	۲۷۴	۲/۲۰	وجود فرصت‌های شغلی
۰/۷۸۵۲	۰/۱۲۰۳	۰/۴۸	۰/۰۱۰	۲۷۴	۲/۳۸	ریسک اقتصادی داشتن

ادامه جدول ۹

استاندارد آزمون ۲/۵						شاخص‌ها
اختلاف میانگین‌ها در سطح ۹۵٪		اختلاف از میانگین	میزان معناداری	درجه آزادی	آماره T	
بالا	پایین					
۱/۰۹۹۴	۰/۴۳۰۱	۰/۸۳	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۸۵	انگیزه توسعه کسب و کار
۱/۱۰۱۲	۰/۲۹۱۴۰	۰/۶۸	۰/۰۰۱	۲۷۴	۳/۵۹	همیاری اقتصادی بین روستاییان
۱/۱۴۳۶	۰/۴۱۷۰	۰/۸۶	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۳۰	اعتماد اجتماعی
۱/۰۰۳۸	۰/۲۸۶۴	۰/۷۰	۰/۰۰۱	۲۷۴	۳/۵۶	همبستگی اجتماعی
۱/۱۳۰۶	۰/۳۵۹۴	۰/۸۶	۰/۰۰۰	۲۷۴	۳/۸۳	مشارکت
۱/۰۳۲۵	۰/۳۲۷۵	۰/۶۸	۰/۰۰۰	۲۷۴	۳/۸۷	امنیت اجتماعی
۱/۱۴۳۳	۰/۴۱۶۷	۰/۸۸	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۳۰	اختلاف اجتماعی
۰/۹۱۳۵	۰/۲۸۴۵	۰/۶۴	۰/۰۰۰	۲۷۴	۳/۸۳	احترام متقابل
۰/۸۵۳۰	۰/۲۸۶۲	۰/۶۸	۰/۰۰۱	۲۷۴	۳/۵۶	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۱/۱۴۳۳	۰/۴۱۶۷	۰/۸۰	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۳۰	تشکل اجتماعی
۰/۷۰۳۸	-۰/۰۲۳۴	۰/۲۴	۰/۰۷۴	۲۷۴	۱/۶۰	تعلق مکانی
۰/۹۹۰۹	۰/۲۹۹۱	۰/۸۲	۰/۰۰۰	۲۷۴	۳/۸۰	عدالت محوری
۰/۹۸۱۲	۰/۲۸۰۷	۰/۶۸	۰/۰۰۱	۲۷۴	۳/۶۰	توافق جمعی
۱/۰۳۵۷	۰/۲۷۲۲	۰/۶۵	۰/۰۰۱	۲۷۴	۳/۴۰	عضویت در تشکل‌ها
۰/۸۷۴۳	۰/۰۴۵۸	۰/۴۲	۰/۰۳۸	۲۷۴	۲/۲۰	شرکت در انتخابات محلی
۰/۹۹۴۵	۰/۳۰۵۵	۰/۶۶	۰/۰۰۰	۲۷۴	۳/۷۵	همکاری با نهادهای متولی روستایی
۰/۶۴۱۲	-۰/۰۲۳۹	۰/۳۰	۰/۰۶۶	۲۷۴	۱/۹۰	همکاری با مسئولان محلی (دهیار و شورا)
۱/۵۳۸۹	۰/۶۱۱۲	۰/۹۷	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۹۵	حفاظت و نگهداری
۰/۶۸۹۵	۰/۱۱۷۴	۰/۵۲	۰/۰۲	۲۷۴	۲/۶۰	اثربخشی طرح‌ها
۱/۴۵۸۹	۰/۸۳۳۵	۱/۱۰	۰/۰۰۰	۲۷۴	۵/۱۰	مسئولیت‌پذیری
۰/۶۸۲۱	۰/۰۹۱۱	۰/۴۰	۰/۰۱۰	۲۷۴	۲/۵۰	برنامه‌ریزی متناسب
۱/۶۲۳۰	۰/۸۸۱۴	۱/۱۶	۰/۰۰۰	۲۷۴	۵/۵۴	دسترسی برابر
۱/۳۲۵۸	۰/۴۲۵۸	۰/۹۴	۰/۰۰۰	۲۷۴	۴/۸۰	مشارکت در امور کالبدی
۰/۸۵۶۳	۰/۵۰۰۹	۰/۶۶	۰/۰۰۰	۲۴۷	۷/۶۵	توسعه‌نیافتگی کل

به منظور تبیین بهتر وضعیت و چگونگی ابعاد متغیر وابسته، آزمون t-test در سطح ابعاد متغیر وابسته استفاده شده است. براساس جدول شماره (۱۰) بر طبق نتایج به دست آمده (سطح معناداری و کران‌های بالا

و پایین)، همه ابعاد توسعه‌نیافتگی روستایی در روستاهای مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط (۲/۵) می‌باشد. از سوی دیگر سطح معناداری به دست آمده در آزمون آماری T نشان‌دهنده این نکته است که همه ابعاد معنادار بوده و وضعیت توسعه‌نیافتگی روستایی در محدوده مورد بررسی از مطلوبیت مناسبی برخوردار نیست.

جدول ۱۰- بررسی وضعیت ابعاد توسعه‌نیافتگی در روستاهای مورد مطالعه با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای

استاندارد آزمون ۲/۵					آماره T	ابعاد
اختلاف میانگین‌ها در سطح ۹۵٪		اختلاف از میانگین	میزان معناداری	درجه آزادی		
بالا	پایین					
۰/۸۴۱۲	۰/۱۲۸۰	۰/۵۱	۰/۰۳۰	۲۹۹	۳۷۴/۷۴	اقتصادی
۱/۵۲۳۴	۰/۷۲۹۲	۱/۸۰	۰/۰۰۰	۲۹۹	۵/۱۴	اجتماعی- فرهنگی
۰/۹۲۵۲	۰/۳۳۲۵	۰/۶۲	۰/۰۰۰	۲۹۹	۴/۴۰	نهادی- سیاسی
۰/۷۲۸۶	۰/۰۸۵۸	۰/۴۲	۰/۰۱۰	۲۹۹	۲/۵۶	زیرساختی- کالبدی
۰/۷۲۸۱	۰/۰۱۰۰	۰/۴۰	۰/۰۰۰	۲۹۹	۴/۲۰	توسعه‌نیافتگی

آماره آزمون TUKEY ضمن مقایسه هر یک از روستاها با روستاهای دیگر، به این نکته اشاره دارد که آیا در کل بین ۹ روستای مورد مطالعه، تفاوتی از نظر شاخص‌ها وجود دارد یا خیر؟ با توجه به این مطلب وضعیت توسعه‌نیافتگی در ۹ روستای مورد مطالعه از دیدگاه سرپرستان خانوار روستایی در قالب جدول ANOVA (جدول ۱۱) نشان داده شده است. همانگونه که از جدول مشخص می‌شود، تفاوت معناداری بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های توسعه‌نیافتگی وجود دارد.

جدول ۱۱- تحلیل واریانس مقایسه میانگین سطح توسعه‌نیافتگی در روستاهای مورد

مطالعه (جدول ANOVA)

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
میان‌گروهی	۷۸۴۸۵/۰۷	۸	۱۱۳۵۶/۹۲	۵/۱۱۲	۰۰۰
درون‌گروهی	۱۷۰۳۵۳/۸۴	۲۶۶	۲۶۹۳/۳۱	-	-
جمع کل	۲۴۳۸۸۷/۹۱	۲۷۴	-	-	-

مقدار آماره F برابر با ۵/۱۲ که با سطح معناداری ۰/۰۰۰ بوده (آلفا کوچک‌تر از ۰/۰۵) نیز این مساله را تأیید می‌کند. این آزمون، روستاها را به لحاظ وضعیت توسعه نیافتگی به ۴ طبقه تقسیم کرده است. (جدول ۱۲) براساس این دسته‌بندی روستاهایی که در طبقه اول قرار می‌گیرند دارای پایین‌ترین سطح و طبقات دوم، سوم و چهارم از سطح توسعه نیافتگی بالاتری برخوردارند. بنا براین، با توجه به نتایج حاصل از آزمون TUKEY می‌توان گفت اگرچه در تمامی شاخص‌ها وضعیت مطلوب در توسعه روستایی وجود ندارد اما تفاوت معناداری بین روستاها به لحاظ شاخص‌ها وجود دارد.

جدول ۱۲- طبقه‌بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ سطح توسعه نیافتگی براساس آزمون TUKEY

روستاها			
طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم	طبقه چهارم
باغ کلک	تنگ تی	لیراب	لای لاشان
دشتک	چنار	موردراز	چنگل
ریزک			

برای مقایسه تفاوت سطح نواع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه نیافتگی روستایی از آزمون کروسکال والیس (Kruskal-Wallis or K-W Test) استفاده شده است. این آزمون به بررسی وجود اختلاف بین گروه‌های مستقل از نظر رتبه‌بندی می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین طوایف (تیره‌ها) محدوده مورد مطالعه به لحاظ سطح نواع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه نیافتگی روستایی به لحاظ میانگین‌ها تفاوت وجود دارد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳- تفاوت بین طوایف (تیره) به لحاظ نواع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه نیافتگی

تیره و طایفه	نواع طایفه‌ای - قبیله‌ای				توسعه نیافتگی						
	تعداد	میانگین رتبه	Chi-square	درجه آزادی	سطح معناداری	درجه آزادی	Chi-square	میانگین رتبه	تعداد		
کمایی	۲۲	۱۲۱	۲۳/۰۰	۸	۰/۰۰۳	۸	۱۲/۰۶۷	۰/۰۰۰	۸	۲۲	۱۲۷
صالح	۲۵	۱۲۶								۲۵	۱۲۶
ملاحجی	۳۳	۱۱۳								۳۳	۱۵۸
نوروزی	۴۳	۱۱۷								۴۳	۱۲۳
محمد موسایی	۳۵	۱۲۴								۳۵	۱۶۳

ادامه جدول ۱۳

توسعه‌نیافتگی				نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای					تیره و طایفه	
سطح معناداری	درجه آزادی	Chi-square	میانگین رتبه	تعداد	سطح معناداری	درجه آزادی	Chi-square	میانگین رتبه		
			۱۵۱	۳۶				۱۷۶	۳۶	شیخ حسن
			۱۱۶	۲۸				۱۶۴	۲۸	مرو
			۱۵۲	۳۵				۱۵۸	۳۵	نری موسی
			۱۳۳	۱۸				۱۳۷	۱۸	میرزا خون

مقدار آزمون Chi-square در متغیر نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای ۲۳/۰۰ و در متغیر توسعه‌نیافتگی روستایی ۱۲/۰۶۷ در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. بنابراین در میزان سطح نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی در طوایف مختلف تفاوت وجود دارد.

در ادامه برای مشخص کردن وجود رابطه میان نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی از آزمون همبستگی استفاده شده است. نتایج نشان داد با توجه به مقدار ضریب همبستگی (۰/۵۱۰) به دست آمده و اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت بین دو متغیر نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی همبستگی وجود دارد. این موضوع نشان‌دهنده این است که توسعه‌نیافتگی روستایی متأثر از نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای است و یا اینکه نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای متأثر از توسعه‌نیافتگی روستایی است. در تحلیل همبستگی ابتدا شاخص‌های متغیر مستقل (نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای) و متغیر وابسته (توسعه‌نیافتگی روستایی) به صورت جداگانه و در نهایت نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای با توسعه‌نیافتگی روستایی به صورت کلی سنجیده شده است (جدول ۱۴). نتایج جدول نشان‌دهنده این مطلب است که در آزمون همبستگی بین شاخص‌های نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی همه شاخص‌ها معنادار بوده و همبستگی قوی بین شاخص‌های نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی وجود دارد. بیشترین همبستگی بین طایفه‌گرایی و نزاع اجتماعی - فرهنگی با ضریب ۰/۷۵۲ می‌باشد این در حالی است که به صورت کلی ضریب همبستگی بین نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی ۰/۵۱۰ بدست آمده است که نسبتاً بالاست و نشان از همبستگی قوی بین این دو دارد.

جدول ۱۴- تحلیل همبستگی بین متغیر نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای (متغیر مستقل) و متغیر توسعه نیافتگی روستایی (متغیر وابسته)

نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای کل		طایفه گرایی		گرایش به نزاع		نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای توسعه نیافتگی
ضریب همبستگی پیرسون	معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	معناداری	
۰/۷۱۲	۰/۰۰۰	۰/۶۴۸	۰/۰۰۰	۰/۵۴۲	۰/۰۰۱	اقتصادی
۰/۶۸۵	۰۰۱,	۰/۷۵۲	۰/۰۰۱	۰/۴۱۲	۰/۰۱۳	اجتماعی- فرهنگی
۰/۵۴۰	۰/۰۰۰	۰/۶۲۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶۲	/۰۰۳	نهادی- سیاسی
۰/۶۱۹	۰/۰۰۱	۰/۷۱۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۹	۰/۰۰۵	زیرساختی- کالبدی
۰/۵۱۰	۰/۰۰۰	۰/۶۷۳	۰/۰۰۲	۰/۵۴۷	۰/۰۰۶	توسعه نیافتگی کل

جدول ۱۵ بیانگر تحلیل و پیش بینی وضعیت تاثیرگذاری نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای بر توسعه نیافتگی روستایی با استفاده از آزمون رگرسیون خطی است. براساس نتایج بدست آمده مقدار R برابر با ۰/۵۱۰ و مقدار R^2 (ضریب تعیین) برابر است با ۰/۶۳۴. بنابراین می‌توان گفت که متغیر وابسته از متغیر مستقل تأثیرمی پذیرد و براساس ضریب تعیین ۶۳ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. از سوی دیگر، F مشاهده شده در سطح $p \leq 0/05$ معنادار است که نشان می‌دهد رابطه میان متغیر مستقل و وابسته در معادله رگرسیون خطی است.

جدول ۱۵- تاثیر شاخص‌های نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای بر توسعه نیافتگی روستایی با استفاده از آزمون رگرسیون

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد شده		تعداد	متغیر مستقل
		β بتا	خطای B		
۰/۰۰۰	۹/۰۶۷	۰/۳۲۲	۰/۰۷۸	۲۷۵	گرایش به نزاع
۰/۰۰۰	۱۴/۹۸۸	۰/۲۲۰	۰/۰۷۹	۱/۱۸۹	طایفه گرایی

نتایج نشان می‌دهد که هر چه مقدار B و BETA بیشتر باشد اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته بیشتر است. نتایج گویای این نکته است که از لحاظ تاثیرگذاری شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته،

متغیر گرایش به نزاع و طایفه‌گرایی به ترتیب با ضریب بتای ۰/۳۲۲ و ۰/۲۲۰ بیشترین اثرگذاری را بر توسعه‌نیافتگی روستایی دارند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با مرور مبانی نظری می‌توان این نتیجه را گرفت که در گذشته، توسعه سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را در توسعه ایفا می‌کردند. اما در زمان حاضر بیش از تاکید بر سرمایه‌های فیزیکی و اقتصادی سرمایه‌های اجتماعی (انسجام اجتماعی، مشارکت، همیستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی) تاکید می‌شود. زیرا بدون سرمایه اجتماعی، استفاده از دیگر سرمایه‌ها به صورت مطلوب انجام نمی‌گیرد. وجود گسستگی و چندپارگی بین جوامع انسانی از جمله مناطق روستایی و دنبال‌کردن منافع متضاد مانع از شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌شود. سرمایه‌ای اجتماعی که خود حلقه اتصال سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و سرمایه انسانی است. بروز نزاع‌های طایفه‌ای- قبیله‌ای و رشد آن مانع از شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی می‌شود و در نتیجه واگرایی افراد را به دنبال دارد، که خود منجر به از بین رفتن ظرفیت‌های توسعه، توانمندی‌های ناپایداری اجتماعات روستایی و در نهایت توسعه‌نیافتگی روستایی می‌شود. توجه و تأکید بر سرمایه اجتماعی موجب توجه به تفاوت‌های طایفه‌ای و نژادی و مسائل و چالش‌های آنان بخصوص نزاع‌های دسته جمعی طایفه‌ای- قبیله‌ای شده است. پورافکاری در پژوهشی در رابطه با تنش‌های طایفه‌ای و آثار نامطلوب آن می‌پردازد و اثرات آن را بر توسعه، نامطلوب می‌داند که با پژوهش حاضر همسویی دارد. سجادیان و همکاران در رابطه با طایفه‌گرایی و امنیت اجتماعی به این نتیجه رسیدند که طایفه‌گرایی و تنوع طوایف مختلف باعث گسترش ناامنی اجتماعی شده است که با تحقیق حاضر همسویی دارد.

در تحقیق حاضر سعی گردید ارتباط معقولانه‌ای بین نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی در سطوح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی برقرار گردد. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد برای بررسی سطح نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی بر اساس آزمون تی تک نمونه‌ای به ترتیب از ۲ و ۲۸ شاخص استفاده شده است که تنها دو شاخص تعلق مکانی و همکاری با مدیران محلی از حد متوسط (۲/۵) پایین‌تر بوده است و براساس آزمون توکی (tukey) روستاهای مورد مطالعه به لحاظ سطح نزاع و توسعه‌نیافتگی باهم تفاوت دارند و در طبقات مختلف قرار گرفتند. آزمون کروسکال والیس نیز نشان داده است که بین گروه‌های مختلف نسبت به نزاع طایفه‌ای- قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی

باهم تفاوت دارند. در بررسی‌های انجام گرفته و آزمون‌هایی که به عمل آمد مشخص شد بین نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای و توسعه‌نیافتگی روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. در نهایت آزمون رگرسیون نشان داد که نزاع طایفه‌ای - قبیله‌ای تاثیر بسزایی در توسعه‌نیافتگی روستایی دارد و هر دو شاخص طایفه‌گرایی و گرایش به نزاع، تاثیر مستقیمی بر توسعه‌نیافتگی روستایی دارند.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که طایفه‌گرایی و گرایش به نزاع و به‌طور خلاصه بروز نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای در سطح سکونتگاه‌های انسانی بخصوص سکونتگاه‌های روستایی می‌تواند عامل بسیار مهمی در توسعه‌نیافتگی روستایی قلمداد شود. گسترش هویت‌های طایفه‌ای و دامن زدن به آن می‌تواند روند توسعه‌یافتگی روستایی در سطح منطقه و در سطوح بالاتر را کند نماید. زیرا توجه و تعصب به قومیت، طایفه و تیره می‌تواند مانع شایسته‌سالاری، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت در امر توسعه شود. بروز نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای به دلیل ساختارهای سستی و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن در تضاد با توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان بهمئی سرحدی شرقی می‌باشد. در این بین توجه به عوامل بستر ساز، بروز نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای از جمله موانع تاریخی، ساختارهای سستی، موانع اطلاعاتی تکنولوژیک، فرآیندهای ذهنی و شخصیتی افراد، بیکاری و موانع اقتصادی می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آتی جهت کمرنگ کردن تعصبات طایفه‌ای - قبیله‌ای و در نتیجه کاهش نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای موثر باشد. از اینرو پیشنهادهای زیر با توجه به نتایج به دست آمده ارائه می‌شود.

- توسعه اشتغال بویژه در بخش کشاورزی (توسعه باغداری و زراعت دیم، دامداری و زنبورداری)

توسعه صنایع کوچک، ساماندهی کسب و کارهای خانگی جهت مقابله با فقر و بیکاری

- صدور اسناد معتبر برای اراضی جهت جلوگیری از کشمکش‌های احتمالی و اختلافات بالقوه بر

سرحد و حدود اراضی

- توجه به آموزه‌های دینی و تاکید بر آنها به منظور افزایش همبستگی اجتماعی و آشنایی با آثار

مخرب نزاع‌های طایفه‌ای - قبیله‌ای

- تقویت شوراهای حل اختلاف در این مناطق و توجه به کمیت و کیفیت تجهیزات و میزان آگاهی

اعضای شورای حل اختلاف به اوضاع اقوام و طوایف مختلف در سطح منطقه

- مطالعه توزیع و پراکندگی طایفه‌ها و طوایف و چگونگی تعامل آنها با همدیگر، مسئولان محلی

و بالاتر

- برگزاری همایش‌هایی توسط فرمانداری‌های و بخش‌داری‌ها که تعصبات طایفه‌ای و نزاع‌های دسته جمعی را کم می‌کند و تهیه بروشور و جزوه از چنین همایش‌ها و ارسال آن به سایر اداره‌ها و نهادها جهت ترویج ارتباط مردم و قشرهای مرتبط با دستگاه‌های مذکور

کتابنامه

1. Byrd, E., Bosley, H. & Dronberger, M. (2009). Comparisons of stakeholder perceptions of tourism impacts in rural eastern North Carolina, *Tourism Management*. (30), 693-703.
2. Chapple, K. & Montero, S. (2016). From learning to fragile governance: Regional economic development in rural Peru, *Journal of Rural Studies*. (44), 143-152.
3. Erdiaw-Kwasie, M. & alam, Kh. (2016). Towards understanding digital divide in rural partnerships and development: A framework and evidence from rural Australia, *Journal of Rural Studies*. (43), 214-224.
4. Esfaram, Y. (2014). *The role of rural good governance in physical development (case study: border Bahmaei Western rural district)*, Thesis for a master's degree In Geography and Planning rural spatial planning, Tarbiat Modarres University. [In Persian].
5. Estelaji, A. (2012). The pattern of rural management in Iran with emphasis on local management and participatory Dhyaryha, *Geography*. 10(32), 239-258. [In Persian].
6. Eugenio-Vela, J. & Barniol-Carcasona, M. (2015). The relationship between rural branding and local development. A case study in the Catalonia's countryside: Territoris Serens (El Lluçanès), *Journal of Rural Studies*, (37), 108-119.
7. Firoozabadi, H. & imani Jamari, H. (2012). The Villagers' Satisfaction of Dehyari (Rural Management Unit) Performance (The case study: Ghazvin Province villages), *Rural Research*, 3(1), 61-91. [In Persian].
8. Khoshbakht, H., Iravani, H., Shabanali Qomi, H. & Mohammadi, Y. (2015). Effective Performance of Rural Assistance Offices in Rural Development from the Perspectives of Rural Assistants; Challenges Ahead: A Case Study of Fars Province of Iran, *Village and Development*. 18(1), 93-111. [In Persian].
9. Mahdavi, M., Oliaei, M.S. & Ilbeigei, N. (2010). The role of socio-economic factors in rural underdevelopment (A Case study of Crafto section in Divandarreh), *Iranian Social Development Studies (JISDS)*, 1(4), 155-173. [In Persian].
10. Mirfardi, A. & sadeghnia, A. (2012). Typology of Collective Conflicts in Boyerahmad County, *Entezam-e-Ejtemaei*. 4 (2), 41-73. [In Persian].
11. Mirfardi, A., Ahmadi, S. & Sadeghnia, A. (2011). Tendency toward Collective Quarrel among Men from 15 to 65 Age in Boyerahmad and Factor Contributing to it, *Societal Security Studies*. (25), 147-178. [In Persian].

12. Nikdel, F. & Pirasteh Motlagh, A.A. (2015). Anger as a Train and State, Anger Management Methods, and People's Tendency towards Collective Aggression, *Security and Social Order Strategic Studies Journal*. (9), 117-130. [In Persian]
13. Pourafkari, N. (2011). Accelerating and decelerating factors affecting shushtar development, *social science*. 4(11), 55-102. [In Persian].
14. Rabani, R., Abbaszadeh, M. & Nazari, J. (2004). Review of socio-cultural factors affecting the tendency to collective dispute (Case study: a city of Ilam), *Entezam-e-Ejtemaei*. 1(3), 103-126. [In Persian].
15. Rezaiekalvari, N. & Bahrini, M. (2010). Study of the relationship between social strife a collective cultural, ethnic and the tribal city Lordegan, *Social Security Studies*. (22), 163-186. [In Persian].
16. Sajadian, N., Nemati, M., Shojaian, A. & Oraky, P. (2015). Valuation role Tribe in Social Security Sensation (Case study: city Izeh), *Geographic information (Sphere)*. 24 (94), 59-76. [In Persian]
17. Schlesinger, J., Munishi, E. & Drescher, A. (2015). Ethnicity as a determinant of agriculture in an urban setting – Evidence from Tanzania, *Geoforum*. (64), 138-145.
18. Shariati, M., Mohajeri, M.K. & Malaki, A. (2013). Studying the factors affecting potential tendencies to the collective conflicts in Khodabandeh County, *Entezam-e-Ejtemaei*. 4(2), 95-118. [In Persian].
19. Shirvanian, A. & Najafi, B. (2012). The Effects of Social Capital on Rural Welfare and Poverty (Case study: villages under Doroudzan irrigation and drainage network), *Economics*. 5(3), 25-53. [In Persian].
20. Veneklasen, L. & Miller, V. (2002). *Power and Empowerment (based on the experience of countries in Africa and Latin America)*, (Zarnegar, H.M., Trans.). [In Persian].